



بررسی زمان روایی در قصص قرآنی براساس دیدگاه ژرار ژنت

(نمونه موردی: مطالعه داستان اصحاب کهف در فالنامه مصور محفوظ در موزه توپ‌قاپی سرایی)

زینب کاظم‌پور^۱ ID، شاهرخ حکمت^۲ ID، مجید عزیزی^۳ ID

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، Z-kazempoor@iau-arak.ac.ir

^۲ (نویسنده مسئول) دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، Sh-hekmat@iau-arak.ac.ir

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران، m-azizi@iau-arak.ac.ir

چکیده

زمان از مباحث مهمی است که توجه روایت‌شناسان متعددی را به خود مشغول کرده است. در این بین، نقش ژرار ژنت، روایت‌شناس ساختارگرای فرانسوی را نمی‌توان نادیده گرفت. از نظر وی، زمان روایی یکی از مؤلفه‌های مهم در پیشبرد روایت داستان است. با توجه به نظریه ژنت، نظم و ترتیب، زمان‌پریشی با گذشته‌نگری، آینده‌نگری، تداوم با استفاده از حذف، خلاصه‌گویی، درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی و همچنین اشکال گوناگون بسامد و تکرار تأثیر داستان را افزایش می‌دهد. در همین راستا، جستار حاضر بر آن است تا ضمن تبیین نظریه زمان روایی ژرار ژنت، میزان مطابقت آن را با داستان قرآنی اصحاب کهف بررسی نماید. نتایج حاصله از این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی و بر مبنای نظریه روایت‌شناسی ژنت انجام شده، نشان می‌دهد که مؤلفه‌های زمانی ژنت در داستان اصحاب کهف به نحو شایسته و مطلوبی به کار رفته است. آنجا که هدف عبرت بشر است از گذشته‌نگری استفاده شده و آینده‌نگری نشان‌دهنده علم و قدرت خداوند است. از نظر تداوم به‌ندرت شتاب ثابت دیده می‌شود و بیشتر حذف و خلاصه‌گویی استفاده شده است. آنجا که صحبت از راه سعادت و شقاوت و یا موضوع مهمی است، برای دقت مخاطب شیوه درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی به چشم می‌خورد. بسامد و تکرار غالب در این داستان قرآنی بیشتر از نوع مکرر است که همه این موارد نشان‌دهنده اعجاز قرآن است که با بسیاری از نظریات جدید روایت‌شناسان منطبق است.

اهداف پژوهش:

۱. تبیین نظریه زمان روایی ژرار ژنت.

۲. تطبیق نظریه زمان روایی ژرار ژنت با قصه اصحاب کهف.

سوالات پژوهش:

۱. داستان اصحاب کهف چگونه با نظریه زمان‌روایی ژرار ژنت قابل بررسی است؟

۲. عناصر زمان روایی (نظم، تداوم و بسامد) چگونه داستان اصحاب کهف را پیش می‌برد؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۱

دوره ۲۰

صفحه ۵۰۶ الی ۵۱۸

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

زمان روایی،

ژرار ژنت،

داستان اصحاب کهف،

نظم،

تداوم.

ارجاع به این مقاله

کاظم پور، زینب، حکمت، شاهرخ، عزیزی، مجید. (۱۴۰۲). بررسی زمان روایی در قصص قرآنی بر اساس دیدگاه ژرار ژنت (نمونه موردی: مطالعه داستان اصحاب کهف در فالنامه مصور محفوظ در موزه توپ‌قاپی سرایی). مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۵۱)، ۵۰۶-۵۱۸.



dorl.net/dor/20.1001.1.*

***** ** ** */



dx.doi.org/10.22034/IAS

.۲۰۲۳.۴۱۴۵۲۲.۲۲۸۰

مقدمه

یکی از ارکان مهم در فهم داستان، آگاهی از زمان آن است. اینکه زمان در ترکیب و بافت کلام چه نقشی و جایگاهی دارد. موضوع ارتباط میان زمان و روایت، در نظریات روایت‌شناسی و ساختارگرایی مورد توجه قرار گرفته است. «بسیاری از نظریه‌پردازان، فهم زمان را تابع فهم و کنش روایت می‌دانند؛ زیرا تجربه‌ای که در مسیر زمان رخ می‌دهد، با زمان دانسته و شناخته می‌شود و با کنش روایی همراه است. زمان بی‌معناست مگر این که خود زمانمند شود؛ یعنی به بیان درآید، یا به گفته ارسطو روایت شود» (احمدی، ۱۳۸۰: ۶۳۵)؛ بنابراین زمان به روایت شکل و ساختار می‌دهد. روایت و داستان بدون زمان وجود ندارد؛ زیرا یکی از سازه‌های اصلی هر روایتی، کنش یا رویداد است که بر مبنای حرکت و زمان شکل می‌گیرد. ژرار ژنت فرانسوی از نظریه‌پردازانی است که به مبحث زمان اهمیت بسیار داده است. وی نظریه زمان روایی را در سه مقوله نظم، تداوم و بسامد بررسی نموده است. از آنجایی که قرآن در بسیاری از روایت‌ها و داستان‌ها، مخاطب را در مقابل وقایع تاریخی قرار می‌دهد، اما به زمان وقوع آن‌ها اشاره نمی‌کند، و از عنصر زمان به اقتضای موقعیت و در حد ضرورت بهره می‌برد، در این جستار، عناصر زمان روایی بازگو شده از سوی ژنت، در داستان اصحاب کهف که در سوره کهف قرآن ذکر شده، بررسی می‌شود و به مسائل پیچیده، پدیدارشناسانه و فلسفی پرداخته نمی‌شود. تاکنون پژوهش‌های بسیاری درباره داستان اصحاب کهف به چاپ رسیده است که نمونه‌هایی از این مقالات معرفی می‌شوند:

غلامی‌نژاد و ساکت (۱۳۸۶) در مقاله «نگاهی به استفاده تمثیلی مولوی از داستان اصحاب کهف»، استفاده مولوی از عناصر داستان اصحاب کهف را که در مثنوی معنوی بروز پیدا کرده است و چگونگی بهره‌گیری او را مورد بررسی قرار دادند. ابراهیمی و زیدی جودکی (۱۳۹۷) در پژوهش «بررسی و تحلیل نقاط اتصال و اشتراک داستان‌های سوره کهف»، دلایل و اسباب ادبی، تجمع چهار قصه (اصحاب کهف، صاحب دو باغ، موسی (ع) و خضر، و ذوالقرنین) در سوره واحد را بررسی و حلقه‌های اتصال و پیوند آن‌ها را بازگو کردند. داوودی مقدم و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف (واکاوی داستان‌های یاران غار و خضر و موسی)»، پادگفتمان‌های ناظر ساز، مؤلفه‌ای و... را در سوره کهف تحلیل و تبیین نمودند. فتاحی‌زاده و ذاکری (۱۳۹۵) در مقاله «رویکرد ساختارشناسانه به سوره کهف» ساختار صوری و معنایی این سوره را واکاوی نمودند. حامد سقاییان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی تطبیقی سطوح روایت و عناصر آن در قصص سوره کهف»، برای تحلیل این سوره سطوح روایی، طرح داستان، متن روایی، شیوه روایی قصص و معانی سه داستان یاد شده در سوره کهف (داستان اصحاب کهف، داستان حضرت موسی (ع) و خضر، داستان ذوالقرنین) را بررسی نمودند. طبق بررسی‌ها تاکنون مقاله‌ای زمان روایی داستان اصحاب کهف را براساس دیدگاه ژرار ژنت مورد بررسی قرار نداده است. پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد روایت‌شناسانه انجام شده است؛ بدین صورت که حوادث داستان کهف از نظر زمانی دسته‌بندی و سپس با توجه به نظریه ژرار ژنت بررسی و تحلیل گردید.

۱. ژرار ژنت و نظریه زمان روایی

ژرار ژنت نظریه پرداز مشهور فرانسوی و از چهره‌های برجسته مطالعات ادبی است. بیشترین شهرت او به دلیلی مطالعات ساختارگرایانه وی در حوزه روایت است که ترتیب زمانی رخدادها را در روایت مورد توجه قرارداد (علیزاده و مهدی‌زاده فرید، ۱۳۹۶: ۲۶۰). ژنت نظریه پیچیده و پر بار خود درباره زمان روایت را با توجه به کتاب «در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته» اثر پروست ارائه کرد. «تفاوت میان زمان داستان و زمان متن را منتقدانی چون ژرار ژنت، ریمون کنان و تولان بررسی کرده‌اند. در این میان، ژنت مهم‌ترین نظریه‌پرداز این حوزه به‌شمار می‌رود و جامع‌ترین بحث را ذیل ناهمخوانی میان زمان داستان و زمان متن مطرح کرده است» (لوت، ۱۳۸۶: ۷۲).

به سخن ژنت، بررسی نظم زمانمند یک روایت مبتنی است بر مقایسه میان ترتیبی که رخدادها یا بخش‌های زمانمند در سخن روایی انتظام می‌یابند. با ترتیب زنجیره‌ای که همین رخدادها یا بخش‌های داستان دارند، به‌گونه‌ای که نظم و ترتیب زمانی مربوط به داستان، یا به‌واسطه خود روایت مورد اشاره قرار می‌گیرد و یا از این‌و آن سرخ فهمیده می‌شود. به عقیده سلدن و ویدسون، ژنت با تقسیم‌کردن روایت در سطوح سه‌گانه، تفاوتی را که فرمالیست‌های روسی میان «قصه» و «طرح» قائل می‌شدند، پرداخته‌تر نمود که این سطوح عبارت‌اند از: داستان، متن روایی، روایت‌گری (سلدن و ویدسون، ۱۳۸۴: ۱۴۶). این ابعاد به سه جنبه زمان، صدا، لحن مربوط می‌شوند.

زمان از دیدگاه ژنت زمان داستان، مدلول و زمان روایت آن دال است. در واقع، زمان داستان وضعیتی قراردادی بین داستان و زمان رویداد و وقوع آن است (ر.ک: تولان، ۱۳۸۳: ۹۹). تا قبل از زنت کسی به جنبه‌های سه‌گانه زمان نپرداخته است. وی زمان را بر اساس ترتیب، تداوم و بسامد مورد بررسی قرارداد (ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶). ژنت بر اساس مفهوم ترتیب زمانی، روابط توالی رخدادها و نظم خطی آن‌ها را در داستان مورد بحث قرار می‌دهد. ژنت بر حسب دیرش روابط میان مدت زمانی که رویدادها برای رخ‌دادنشان تصرف می‌کنند، میزان حجمی را که صرف آن می‌کنند، بررسی می‌کند. وی با توجه به مفهوم بسامد به تعداد دفعاتی که یک رویداد در متن ظاهر می‌شود، و شماری که همان رویداد در متن روایت می‌شود، توجه می‌کند (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۴۶).

۲. داستان اصحاب کهف

سوره کهف هجدهمین سوره قرآن است که ۱۱۰ آیه دارد و در آن به ماجرای اصحاب کهف و مقابله تعدادی از جوانان در برابر حاکم مستبد زمان اشاره شده است. این سوره با حمد خداوند شروع می‌شود و با توحید و ایمان به پایان می‌رسد و به بیان اعتقادات اساسی مسلمین؛ یعنی مبدأ و معاد می‌پردازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲ / ۳۳۶-۳۳۸). کهف به معنی غار در کوه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ذیل واژه کهف) و دلیل نام‌گذاری این سوره به کهف، ذکر داستان اصحاب کهف در آن است. نام دیگر این سوره، حائله است؛ زیرا سوره کهف، حائل و مانعی بین آتش جهنم و قاریان و عاملان به آن خوانده شده است (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۲ / ۱۲۴۱).

درباره محتوا و غرض سوره کهف، گفته شده که این سوره با بیم و بشارت، مردم را به سوی اعتقاد به حق و عمل نیکو دعوت می‌کند. در این سوره بر فرزند نداشتن خداوند تأکید شده است؛ چنان‌که آیاتی از آن حاوی تهدید کسانی است که معتقد بوده‌اند خداوند فرزند دارد. مخاطب بخشی از این سوره، دوگانه‌پرستانی هستند که معتقدند ملائکه و جن و افراد صالح، فرزند خدایند و همچنین مسیحیان که معتقدند عیسی مسیح فرزند خداست. همچنین گفته شده بعید نیست. این سوره برای بیان سه داستان عجیب اصحاب کهف، موسی و بنده‌ای از بندگان خدا و حکایت ذوالقرنین نازل شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۲ق: ۱۳/۲۳۶). خلاصه داستان با توجه به آیات قرآن کریم چنین است: «چند جوان موحد که نور ایمان در قلبشان تابیده بود، از میان قوم بت‌پرست خویش بیرون رفتند و در غاری برای استراحت دراز کشیدند و مدت ۳۰۹ سال خفته بودند و سپس بیدار شدند. بر اثر احساس گرسنگی، یکی را به شهر فرستادند تا طعامی بخرند و بیاورد. چون از خواب گران خویش بی‌خبر بودند، به فرستاده گفتند: «مواظب باش مأموران حکومت تو را نشناسند». او چون به شهر آمد، پول سیصد سال پیش را نشان داد. دکان‌دار از وی خواست بگوید آن پول را از کجا آورده است. سرانجام، خواب طولانی آن‌ها هم برای خودشان و هم برای مردم روشن شد و سپس در همان غار مردند و به یاد آن‌ها مسجدی بالای غارشان بنا کردند».

۳. فالنامه مصور در موزه توپقاپی سرای

کتاب فالنامه یکی از آثار فاخر ادبی دوره صفویه است که به شکل نسخ مصور نیز وجود دارد و نسخه‌ای از آن در موزه توپقاپی سرای استانبول نگهداری می‌شود. نقش پررنگ فرهنگ عامیانه فال‌بینی در فالنامه مصور موجود در موزه توپقاپی سرای استانبول دیده می‌شود.

فالنامه‌های مصور عصر صفوی دارای نگاره‌های متعدد با مضامین گوناگونی هستند که این نگاره‌ها در جهت هدف اصلی این نسخه‌ها در امر پیش‌گویی و فال‌گیری به تصویر درآمده‌اند. مضامین نگاره‌های نسخه فالنامه فارسی موزه توپقاپی سرای در سه دسته اصلی دینی، ادبی و تنجیم به تصویر درآمده و مضامین دینی بیشترین تعداد نگاره‌های این نسخه را به خود اختصاص داده است. مضامین نگاره‌های این نسخه فالنامه از طریق کارکرد تمثیلی روایت تصاویر در جهت تعیین سعد و نحس امور و باورپذیری پیش‌گویی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین در این نسخه تلاش شده است تا با القای مفهوم توسل و استخاره از طریق مضامین دینی نگاره‌ها به امر پیش‌گویی و فال‌گیری در برابر ممنوعیت نهادهای دینی، مشروعیت داده شود (اخوانی و محمودی، ۱۳۹۸: ۱۹).

در هنر مصورسازی نسخه‌های فالنامه که همواره تحت تأثیر تفکر مذهبی هنرمندان و حامیان آن‌ها قرار داشته است، بخش عمده‌ای از آن‌ها روایت‌های مربوط به پیامبر(ص) و اهل بیت (ع) ایشان را متجلی ساخته‌اند. رویکرد هنرمندان به این مضامین موجب بروز جلوه‌های خاصی از پردازش تمثیلی، نشانه‌ای و انتزاعی در جهت روایتگری نسبت به سایر موضوع‌ها در نگارگری شده است تا مضامین شیعی را به زبان تصویری انعکاس دهند. یکی از نسخه‌های مصور که به

مضامین شیعی پرداخته فالنامه تهماسبی است که در آن، نگاره‌هایی منتسب به امام رضا (ع) احتمالاً با الهام از روایت‌های شیخ صدوق به تصویر درآمده‌اند (علی‌پور، ۱۳۹۳: ۸۱).

۴. زمان روایی در داستان اصحاب کهف براساس نظریه ژنت و فالنامه محفوظ در موزه توقیایی سرای

ژنت موضوع زمان در روایت را از سه جنبه بررسی کرد:

الف) نظم و ترتیب بازگو نمودن روایت که در آن به‌توالی زمانی وقایع توجه می‌شود؛ ب) تداوم که همان طول مدت روایت است و ممکن است با مدت‌زمان وقوع رویداد برابر نباشد؛ ج) بسامد که تکرار وقایع و رویدادهاست.

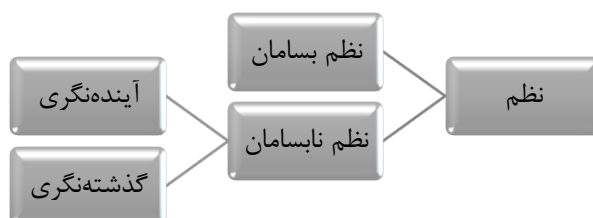
در این مجال انواع زمان از دیدگاه ژرار ژنت در داستان اصحاب کهف بررسی می‌شود.

۴.۱. نظم و ترتیب

ژنت از آرایش خطی متن، به‌عنوان نظم و ترتیب یاد می‌کند.

در نظم و ترتیب، رابطه بین توالی رخدادها در داستان و توالی زمان آن‌ها در متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. ژنت زمان متن روایی را آرایش خطی متن می‌داند و آن را در مقوله «نظم و ترتیب» جای می‌دهد (تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۱). او بیشترین نوع ناهماهنگی میان نظم داستان و نظم متن را زمان‌پریشی نامیده است. «بازگشت به عقب» یا «پس‌نگری» و از دیگر سو «رجعت به آینده» یا «پیش‌نگری» به ترتیب «گذشته‌نگری» و «آینده‌نگری» نام دارند.

روایت رخداد داستان بعد از نقل رخدادها انجام شده متن را گذشته‌نگر می‌نامند. برعکس آینده‌نگر، روایت رخداد داستان قبل از نقل رخدادها اولیه است. «اگر رخدادهای الف، ب، ج در متن به ترتیب ب، ج، الف قرار گیرند، آنگاه رخداد الف گذشته‌نگر خواهد بود و اگر این سه رخداد به ترتیب ج، الف، ب پشت‌سرهم قرار گیرند، آنگاه رخداد ج آینده‌نگر خواهد بود. هم روایت گذشته‌نگر و هم روایت آینده‌نگر نسبت به روایتی که از آن جوانه زده‌اند و ژنت آن را «اولین روایت» می‌نامد، از نظر زمانی لایه دوم روایت را بنا می‌نهند؛ بنابراین اولین روایت گاهی - دایره‌وار - سطح زمانی روایتی است که براساس آن زمان‌پریشی را این‌گونه تعریف می‌کنیم: ناهماهنگی میان نظم داستان و نظم متن» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۶۵-۶۶).



نمودار ۱. نظم و ترتیب. (ریکور، ۱۳۸۴: ۷۶)

در سوره کهف تعداد آیات مربوط به داستان اصحاب کهف بسیار اندک است؛ به همین دلیل با فشردگی حجم متن در برابر میزان رویدادها مواجهیم.

خداوند در ابتدای داستان اصحاب کهف خلاصه داستان را برای پیامبر (ص) بیان می‌کند، پس از آن به گذشته بازمی‌گردد و حوادث و رخدادها را به ترتیب و همان گونه که در تاریخ اتفاق افتاده بیان می‌کند. قابل ذکر است که از حذف و خلاصه‌گویی هم به خاطر ذکر حوادث مهم‌تر و تأکید برای رساندن پیام به مخاطب بهره گرفته شده است. در آیه سیزدهم این سوره پریشانی زمانی دیده می‌شود که ارائه آن به تأخیر افتاده است. در این سوره با توجه به واژگان و عباراتی همچون ایمان به جوانمردان و افزون بر هدایت آنان که نشان‌دهنده یقین آنان است، امری که در آینده اتفاق خواهد افتاد و اینجا قبل از اتفاق افتادن بدان اشاره شده است و در واقع گذشته‌نگری شده است.

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى؛ ما قصه آنان را بر تو به درستی حکایت خواهیم کرد. آن‌ها جوانمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام (ایمان و) هدایتشان بیفزودیم» (کهف: ۱۳).

در آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ نیز این گذشته‌نگری دیده می‌شود و نشان‌دهنده این است که فقط خداوند دانای توانا و آگاه از همه چیز است.

در آیه ۲۲ این سوره هم آینده‌نگری دیده می‌شود که در آن فعل سیقولون، به آینده اشاره دارد و خبر از آن می‌دهد که قرار است در آینده از این افراد صحبت‌هایی به میان آید.

«سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا؛ بعضی خواهند گفت که عده آن اصحاب کهف سه نفر بود؛ چهارمین هم سگ آن‌ها، و برخی دیگر از روی خیالبافی و غیب‌گویی می‌گویند: عده آن‌ها پنج نفر بود ششمین سگ آن‌ها، و برخی دیگر گویند: هفت نفر بودند و هشتمین سگ آن‌ها. بگو: خدای من به عده آن‌ها آگاه‌تر است، که بر عدد آن‌ها به جز افراد قلیلی (مانند انبیاء و اولیاء که از طرف حق به وحی دانسته‌اند) هیچ کس آگاه نیست، پس تو (با اهل کتاب) درباره آن‌ها مجادله مکن جز آنکه هر چه به ظاهر وحی دانستی اظهار کن و دیگر هرگز فتوا از احدی در این باب مپرس» (کهف: ۲۲).

در این نوع زمان‌پریشی روایت‌نگاهی به آینده دارد و رخدادهایی از داستان که بعدها اتفاق خواهد افتاد، قبل از وقوع نقل می‌شوند (تولان، ۱۳۸۳: ۸۶). در آیات ۲۳ و ۲۴ سوره کهف هم آینده‌نگری دیده می‌شود که در آن خداوند برای پیامبر از زمان بعد از جریان اصحاب کهف سخن می‌گوید. در تصویر شماره ۱ می‌توان نمودهایی این زمان‌روایی را مشاهده کرد.



تصویر ۱. اصحاب کهف، فالنامه، دوره صفوی. محل نگهداری: محفوظ در موزه توپقاپی سرای

۴،۲. تداوم/ دیرش

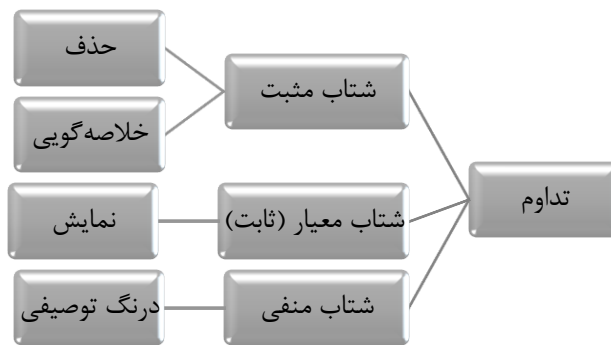
به رابطه بین روایت و مقطع‌های متنی که این فاصله را پوشش می‌دهد، تداوم یا دیرش می‌گویند که سرعت متن را نشان می‌دهد. در واقع، این امتداد نسبتی است میان زمان حادثه و طول متن (شویلی، ۱۳۹۵: ۷۱). از نظر ریمون کنان، تداوم نسبت میان طول مدت‌زمان داستان و زمان بیان روایت است (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۷۳). در زمان تقویمی و خطی، روند مشخصی برای گذر زمان وجود دارد، اما تصویر زمان در روایت، با زمان واقعی منطبق نیست. مثلاً حوادث یک روز را در چند دقیقه و به صورت فشرده می‌توان بیان کرد.

ژنت سرعت ثابت را معیاری فرضی برای اندازه‌گیری مقادیر گذشت زمان حوادث سطح داستان در سطح متن در نظر می‌گیرد. «منظور از «سرعت ثابت» این است که نسبت میان اینکه داستان چه مدت به درازا می‌کشد و طول متن چقدر است، ثابت و بدون تغییر می‌ماند. براساس همین معیار، سرعت قرائت متن «افزایش» یا «کاهش» می‌یابد» (حری، ۱۳۸۹: ۸۳). با در نظر گرفتن سرعت ثابت به‌عنوان معیار، می‌توان دو شتاب مثبت و منفی برای آن تصور کرد.

از نظر ژنت، اختصاص قسمت کوتاهی از متن به مدت‌زمان بیشتری از داستان، شتاب مثبت و اختصاص قسمت کوتاهی از متن به مدت‌زمان کم‌تری از داستان، شتاب منفی نام دارد. به‌عنوان مثال، زمانی که هر صفحه از متن روایت، معادل یک ماه از زندگی شخصیت اصلی داستان را بیان کند، اختصاص بخش بیشتری از متن به مدت‌زمان کم‌تری، نشان‌دهنده شتاب منفی و سرعت کند روایت در نظر گرفته می‌شود و اگر زمان بیشتری در قسمتی از متن روایت شود، شتاب متن مثبت و سرعت روایت بیشتر است (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۱۸-۳۱۷). سرعت بیشتر، «حذف» و سرعت

کم‌تر «درنگ توصیفی» نام‌گرفته است. میان حذف و درنگ توصیفی، «خلاصه» و «صحنه نمایشی» وجود دارد. «در حذف، پاره‌ای از تداوم داستان، هیچ‌ما به ازایی در متن ندارد» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۷۳). در درنگ توصیفی، حوادث با تفسیر و توصیف روایت می‌شوند.

ژنت تداوم زمانی رمان پروست را به‌طور دقیق بررسی کرده است. در رمان «جستجوی زمان از دست‌رفته» سه سطر از آن، شرح دوازده سال از رمان است و صد و نود صفحه شرح دو تا سه ساعت حوادث را دربر می‌گیرد. جدولی که ژنت به گفته خودش بررسی کرده است، تقریباً نشانه آزادی پروست در زمان‌بندی رمان را نشان می‌دهد که زمان، موضوع اصلی آن است (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۸۵). هر قسمت متن که از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، نوشته می‌شود و قسمت‌هایی که نیاز به توضیح بیشتر ندارد، حذف می‌شود. زمانی هم نوشته متن، ارزش فراوانی دارد؛ اما به دلیل اینکه تعرض است و مواردی که باید فعلاً پنهان بماند، حذف می‌شود و در زمان مناسب رازگشایی می‌شود.



نمودار ۲. تداوم (ریکور، ۱۳۸۴: ۸۰).

خداوند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره کهف درنگ جوانان در غار را توصیف می‌کند و این‌گونه این بخش داستان طولانی‌تر می‌شود.

«وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزَاوَرَّ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَإِذَا عَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَنْ يُضِلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرْشِدًا؛ و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی که هنگام طلوع از سمت راست غار آن‌ها برکنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان به دور می‌گردد و آن‌ها در فضای گسترده غار قرار دارند. این حکایت جوانمردان کهف یکی از آیات الهی است؛ هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را در گمراهی واگذارد دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار راهنمایی نخواهی یافت» (کهف: ۱۷).

«وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنَقَلْبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعَتْ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتْ مِنْهُمْ فِرَارًا وَكَلِمْتُ مِنْهُمْ رُعْبًا؛ و آنان را گمان می‌کنی که بیدارند، درحالی‌که خوابند، و آنان را

به‌جانب راست و جانب چپ می‌گردانیم، و سگشان دو دستش را در آستانه غار گسترانیده است. اگر بر آنان آگاه می‌شدی از آنان روی برتافته و می‌گریختی و همه وجودت از [دیدن] آنان پر از ترس می‌شد» (کهف: ۱۸).

در آیه ۲۵ این سوره نیز درنگ توصیفی مربوط به زمان توقف و مدت‌زمان ماندن یاران در غار است. در این حالت زمان داستان ثابت و ساکن است، ولی متن روایی جریان دارد.

«وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» [اصحاب کهف] سیصد سال در غارشان ماندند و نه سال به آن افزودند» (کهف: ۲۵).

هرچند در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره کهف مکان و فضای غار و حتی حالت خوابیدن جوانان در غار توصیف می‌شود، اما از خوابیدن تا بیداری آنان سخنی گفته نمی‌شود. همچنین در آیات ۲۱ و ۲۵ سوره خداوند تنها به مدت‌زمان خوابیدن آن‌ها که ۳۰۹ سال بود، اشاره می‌کند و از جزئیات چیزی گوید. در اینجا حذف یا زمان افتاده صورت گرفته است.

البته آیات ۱۰ و ۱۱ نیز جزئی از تکنیک خلاصه و حذف به‌شمار می‌آید؛ زیرا در این دو آیه خیلی خلاصه کل داستان ارائه می‌شود و در آیه ۱۰؛ یعنی در درون همین داستان بخشی از وقایع حذف شده است.

شتاب از ویژگی‌های بارز داستان اصحاب کهف در قرآن است که کل ماجرای داستان که طولانی است و فقط ۳۰۹ سال آن در خواب گذشته، تنها آیات ۱۱ تا ۲۵ سوره را به خود اختصاص داده است که در مدت‌زمان بسیار کوتاهی آیات خوانده می‌شوند. این داستان از فشردگی و به عبارت بهتر از شتاب بالایی برخوردار است که سبب سرعت زمان متن و شتاب مثبت در داستان می‌شود. به نظر ریمون کنان، «فرایند شتاب با صرف بخش کوتاهی از متن (سخن روایی) برای یک دوره طولانی از داستان پدید می‌آید» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۵۲). در داستان اصحاب کهف با وجود کمی تعداد آیات، گفتگو و دیالوگ دیده می‌شود. در آیه ۱۹ دیالوگ کوتاهی میان اصحاب کهف، زمانی که بیدار می‌شوند صورت می‌گیرد که نشان‌دهنده تعجب و حیرت شخصیت‌های داستان در آن لحظه است.

«وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاَهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا؛ و همان‌گونه [که با قدرت خود خوابشان کردیم، از خواب] بیدارشان نمودیم تا میان خود از یکدیگر [از حادثه اتفاق افتاده] بپرسند. گوینده‌ای از آنان گفت: چه مقدار [در خواب] مانده‌اید؟ [برخی] گفتند: یک روز یا پاره‌ای از روز را [در خواب] مانده‌ایم. [و برخی دیگر] گفتند: پروردگارتان به مقداری که [در خواب] مانده‌اید، داناتر است، پس یکی از خودتان را با این پولتان به شهر روانه کنید و او باید با تأمل بنگرد کدام یک [از مغازه داران شهر] غذایش پاکیزه‌تر است؟ پس غذایی از آن برایتان بیاورد، و او باید [در رفت، برگشت و داد و ستد] دقت و نرمی و لطف نشان دهد و احدی را از حال شما آگاه نکند» (کهف: ۱۹).

در آیات ۱۴ داستان اصحاب کهف صحنه نمایشی دیده می‌شود که در آن گفت‌وگو سبب کندشدن سرعت روایت می‌شود.

«وَرَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبَّنَا رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذًا شَطَطًا؛ و دل‌های (پاک) آن‌ها را سخت استوار و دلیر ساختیم آن‌گاه که آن‌ها قیام کرده و گفتند: خدای ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ‌کس را به خدایی نمی‌خوانیم که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم» (کهف: ۱۴). «نمایش صحنه حالتی است که در آن زمان داستان و زمان سخن و گفتگو پایه‌پای هم جلو می‌روند؛ یعنی دیرش داستان و دیرش سخن هماهنگ می‌گردند. چنین حالتی مبتنی است بر روایت مفصل و پر از جزئیات یک رخداد کنشی» (ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۵۲).

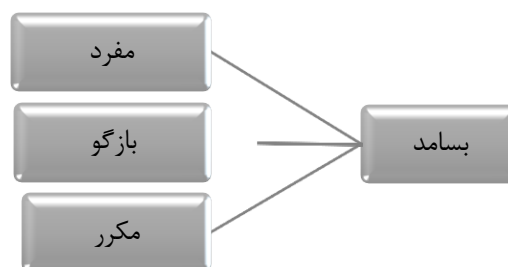
۴,۳. بسامد

به تعداد دفعات تکرار حوادث سطح داستان و تعداد بیان آن حوادث، در سطح متن، بسامد گفته می‌شود. به بیان دیگر، رابطه بین تعداد دفعاتی که یک حادثه در داستان رخ می‌دهد بسامد نام دارد. ژنت، سه شکل برای بسامد در نظر دارد:

الف) «بسامد مفرد» رایج‌ترین نوع آن است که در آن رخدادی که یک‌بار اتفاق افتاده است، یک‌بار هم روایت می‌شود. روایت n مرتبه آنچه n بار رخ داده است نیز در این جایگاه است؛ زیرا هر یک‌بار روایت حادثه در متن روایی با یک‌بار حادث شدن آن در داستان شبیه است.

ب) بسامد مکرر آن است که رخدادی که یک‌بار رخ داده است، چندین بار روایت می‌شود. این بسامد، نقل n دفعه‌ای حادثه‌ای است که فقط یک‌بار اتفاق افتاده است (تولان، ۱۳۸۳: ۵۹-۶۱). یک حادثه واحد ممکن است توسط شخصیت‌های مختلف و از چشم‌اندازهای متفاوت بیان شود، یا ممکن است به‌وسیله یک شخصیت و در مقاطع متفاوت زندگی‌اش بیان شود که در آن صورت هم با چشم‌اندازهای مختلفی روبه‌رو خواهیم شد (برتیز، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

ج) «بسامد بازگو»، یک‌بار روایت کردن حادثه‌ای است که چندین بار اتفاق افتاده است. این بسامد، نقل یک‌باره رخدادی است که n بار رخ داده است. (تولان، ۱۳۸۳: ۶۱).



نمودار ۳. بسامد (ریکور، ۱۳۸۰: ۸۶).

داستان اصحاب کهف از نظر بسامد مفرد است؛ زیرا در زمان، تنها یک‌بار اتفاق افتاده است، اما برخی از جزئیات آن بسامد مکرر دیده می‌شود. به‌عنوان نمونه طبق آیه ۱۷ خورشید هر روز در از سمت جنوب طلوع و از سمت شمال غروب می‌کند و در آیه ۱۸ بدن‌های اصحاب کهف باتوجه‌به حالت خورشید دائم می‌چرخید.

در آیات ۱۰ و ۱۶ نیز تکرار دیده می‌شود که در هر دو خداوند موضوع پناه‌بردن جوانان به غار را مطرح می‌کند.

«إِذْ أَوْى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا؛ [یاد کن] هنگامی را که [آن] جوانان در غار پناه گرفتند و گفتند: پروردگارا! رحمتی از نزد خود به ما عطا کن، و برای ما در کارمان زمینه‌هدایتی فراهم آور» (کهف: ۱۰).

«وَإِذِ اعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يُعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْوُوا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا؛ و [پس از مشورت و گفت‌وگو با یکدیگر چنین گفتند]: اکنون که از آنان و آنچه غیر خدا می‌پرستند، کناره‌گرفته‌اید، پس به این غار پناه گیرید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و در کارت‌ان آسایش و آسانی فراهم آورد» (کهف: ۱۶). در آیات ۱۸ و ۲۲ نیز تکرار بسامد دیده می‌شود و آن خبر همراهی سگ با آن‌هاست. در آیه ۱۸ طرز نشستن سگ و در آیه ۲۲ وجود سگ سه بار ذکر شده است.

درباره کل داستان با توجه کتاب تفسیر نمونه این داستان یک‌بار روایت شده است؛ بنابراین بسامد آن مفرد و تک محورا است. مکارم شیرازی نویسنده تفسیر نمونه در این باره می‌نویسد: سرگذشت اصحاب کهف در هیچ یک از کتاب‌های اسمانی قبل نبوده است، چه کتب اصلی و چه تحریف شده کنونی؛ زیرا طبق آنچه در تاریخ نقل شده این واقعه مربوط به قرون بعد از میلاد مسیح (ع) است. این ماجرا مربوط به زمان دکیوس که معرب دقیانوس است، می‌باشد. در زمان وی مسیحیان به‌سختی شکنجه می‌شدند. به گفته مورخان اروپایی، این حادثه بین سال‌های ۴۹ تا ۲۵۱ میلادی رخ داده است که این مورخان مدت خواب اصحاب کهف را ۱۵۷ سال می‌دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴۳-۴۴۴).

نتیجه‌گیری

یکی از نظریات ژرار ژنت نظریه زمان روایی است که نقش مهمی در شکل‌گیری متون روایی دارد. پس از بررسی زمان روایی داستان اصحاب کهف براساس دیدگاه این نظریه‌پرداز نتایج زیر به‌دست آمد:

هر سه مؤلفه زمان روایی نظریه ژنت در داستان اصحاب کهف دیده شده است. در این داستان، خداوند به‌عنوان راوی دانای کل قرآن، باتوجه به ظرفیت قصه اصحاب کهف داده‌ها را در طرح داستان چیده و باتوجه به مضمونی که در نظر دارد، رویدادها و وقایع را به‌پیش می‌برد. گاه رویدادی را در زمان گاه‌شمارانه خود پیش می‌برد و گاه واقعه‌ای را به گذشته انتقال می‌دهد و از گذشته‌نگری و آینده‌نگری استفاده می‌کند و همین امر سبب زمان‌پریشی داستان شده است. آنجا که هدف عبرت بشر است از گذشته‌نگری استفاده شده و آینده‌نگری نشان‌دهنده علم و قدرت خداوند است. در این داستان، تداوم با درنگ توصیفی، حذف، خلاصه‌گویی و صحنه‌نمایشی صورت می‌گیرد. از آنجایی که در درنگ توصیفی توضیح بیشتری در مورد حادثه داده می‌شود، سرعت روایت کند می‌شود، ولی در حذف و خلاصه‌گویی سرعت روایت شتاب می‌گیرد. همچنین در صحنه‌نمایشی که مربوط به دیالوگ‌هاست، سرعت روایت و شتاب داستان ثابت می‌شود. آنجا که صحبت از راه سعادت و شقاوت و یا موضوع مهمی است، برای دقت مخاطب شیوه درنگ توصیفی و صحنه‌نمایشی به چشم می‌خورد.

داستان اصحاب کهف از نظر بسامد مفرد است. بسامد و تکرار غالب در جزئیات و وقایع این داستان قرآنی بیشتر از نوع مکرر است. وجود نظم، تداوم و بسامد در زمان روایی، برای پیشبرد اهداف بلند و متعالی قرآن صورت‌گرفته است و آن چیزی جز هدایت و تربیت انسان‌ها نیست که همه این موارد نشان‌دهنده اعجاز قرآن است که با بسیاری از نظریات جدید روایت‌شناسان منطبق است.

منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن کریم.

احمدی، بابک. (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. تهران: مرکز.

ایگلتون، تری. (۱۳۸۶). پیش‌درآمدی بر نظریه ادبی. ترجمه: عباس مخبر، تهران: مرکز.

برتنز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۸). نظریه ادبی. ترجمه فرزان سجودی، تهران: آهنگ دیگر.

تایسن، لویس. (۱۳۸۷). نظریه‌های نقد ادبی معاصر. ترجمه: مازیار حسین‌زاده و فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز.

تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). درآمدی نقادانه - زبان‌شناختی بر روایت. ترجمه: ابوالفضل حری، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی. تهران: دوستان - ناهید.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد. (۱۴۱۲). مفردات الفاظ القرآن. به تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالشامیه.

ریکور، پل. (۱۳۸۴). زمان و حکایت. ترجمه: مهشید نونهالی، جلد دوم، تهران: انتشارات گام نو.

ریمون کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). روایت داستانی: بوطیقای معاصر. ترجمه: ابوالفضل حری، تهران: نیلوفر.

سلدن، رمان و پیتر ویدوسون. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر، تهران: طرح نو.

شویلی، سلمان. (۱۳۹۵). پژوهش‌هایی در مورد هنر روایتگری در قصه‌های هزار و یک شب. ترجمه: علی‌اکبر مرادیان قبادی، خرم‌آباد: دانشگاه لرستان.

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۹۷۴) المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ الأعلمی للمطبوعات.

لوته، یاکوب. (۱۳۸۶). مقدمه‌ای بر روایت در ادبیات و سینما. ترجمه: امید نیک‌فرجام، تهران: مینوی خرد.

مکارم شیرازی، ناصر و نویسندگان. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مقالات

حری، ابوالفضل. (۱۳۸۷). «احسن از قصص: رویکرد روایت‌شناختی به قصص قرآنی». نقد ادبی، ۱(۲). ۸۳-۱۲۲.

علیزاده، ناصر و مهدی‌زاد فرید، مهناز. (۱۳۹۶). «بررسی عنصر زمان در قصه ورقه و گلشاه از دیدگاه ژرار ژنت».

دوفصلنامه زبان و ادبیات فارسی، ۲۷(۸۲)، ۲۵۹-۲۷۷.